

تبارشناسی رمان و داستان کوتاه کردی

کامل صفریان*

سیده زهرا سجادی

درباره رمان و داستان کوتاه کردی هنوز تحقیق جدی و منسجم که بتواند به تمامی سوالات ما در این زمینه پاسخگو باشد انجام نشده است. این ضعف پژوهشی بی‌شک ما را در این مقاله دچار تنگنا خواهد کرد. به رغم کثرت کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره «رمان و بعضاً داستان کوتاه» کردی در دسترس است و نیز روشنگری‌هایی که در دو دهه اخیر پرده از زوایای ناشناخته «داستان»‌های کردی برگرفته است با این وصف هنوز خاستگاه و پیشینه آن بر ما مشخص نیست. در این مقاله تلاش می‌شود تا - با استناد به اطلاعاتی که در اختیار خواننده قرار داده می‌شود - خاستگاه و پیشینه این نوع ادبی در کردستان ایران، ترکیه، عراق و سوریه مورد بررسی قرار گیرد.

نگارندگان پیش از وارد شدن به پیشینه‌ی بحث بر خود لازم می‌دانند تا اندکی درباره رمان و داستان کوتاه و تفاوت‌های آن دو قلمفرسایی کنند:

یکی از نظریه‌پردازان فرمالیست در مقاله «أ. هنری و نظریه داستان کوتاه» می‌گوید: «داستان کوتاه و رمان نه تنها از نظر شکل با هم تفاوت دارند، بلکه سیر تکاملی آنها نیز متفاوت است. به دلیل این که رمان، هنری ترکیبی و ذاتاً بر جمع و ترکیب مبتنی است. اما داستان کوتاه، منفرد و تک واحدی است. رمان از تاریخ و سفرنامه‌ها سرچشمه می‌گیرد. داستان از فولکلور و حکایت. بنابراین تفاوت این دو جوهری است. یکی بنیادش بر کلان استوار است و آن دیگری بر خرد.»

داستان کوتاه، یک نمونه و رمان، یک کل و مجموعه است. حتی عناوین برخی داستانهای کوتاه به همین جزئی از یک کل اشاره می‌کنند: «یک روز در دهکده»، «داستان یک روز باشکوه»، «داستان یک دختر مزرعه» و...

داستان کوتاه، تک واحدی است و رمان، چند واحدی. به عبارت دیگر داستان کوتاه به یک شخصیت، یک رویداد و یک تأثیر می‌پردازد. داستان کوتاه به مقاله شباهت دارد، از این نظر تصویری مینیاتوری از یک وضعیت و یا رویداد به دست می‌دهند و نه فصلی از یک کتاب و از آنجاییکه داستان کوتاه، ماهیتی منفردانه دارد بنابراین بیشتر مضامین مورد علاقه‌اش تنهایی و انفراد آدمها است و برخلاف رمان، بخشی از یک زندگی را تعریف می‌کند نه کل آن را. اصولاً نویسندگان، داستان کوتاه را طوری طرح‌ریزی می‌کنند که خواننده از خواندن آن، احساس کامل بودن کند و به همین دلیل، خواننده داستان کوتاه را بیشتر از رمان می‌پذیرد. این پذیرش در مورد ادبیات کردی بیشتر مصداق دارد.

*کارشناس ادبیات فارسی

یکی از نخستین تفاوت‌های داستان کوتاه و رمان در ادب کردی در قیاس با ادبیات داستانی فارسی شاید در این نکته نهفته باشد که ادبیات داستانی کردی با داستان کوتاه به ظهور رسید در حالیکه ادب داستانی فارسی با رمان به منصفه ظهور رسید. منشاء این تقدم را باید در محیط سیاسی نویسندگان آثار جستجو نمود. جمال‌زاده بی‌شک در یک محیط امن و به دور از جریانات و مهاجرت‌های بالاجبار سیاسی زندگی می‌کرد ولی این محیط هرگز برای نویسندگان کرد فراهم نبوده است. پاره‌ای از این نویسندگان حتی بخش‌هایی از داستان کوتاه خود را در دو مجله متفاوت و گاه در دو کشور متفاوت منتشر نموده‌اند. دیگر آنکه نویسنده کردی باتوجه به محیط پرآشوبی که در اطراف خود احساس می‌نمود توان اندیشیدن را نداشت. او برای شخصیت‌پردازی و بسط داستان به فرصت بیشتری احتیاج داشت. این نکته نویسنده را برآن می‌دارد که رویدادها را با نگاهی گذرا و از یک زاویه روایت کند.

در تبارشناسی و ظهور داستان کوتاه کردی، ذکر این نکته هم درخور اهمیت است که؛ باتوجه به غنای فرهنگ کردی، بیشتر داستان‌نویسان کرد فولکلور و داستان‌های حماسی سرزمین خود را به عنوان منبع بالارزش کار خود قرار داده‌اند و کم‌تر به جنبه‌های فرامنطقه‌ای کوشیده‌اند. وجود ادبیات بومی غنی و فولکلوری دیرین، در پیدایش داستان کوتاه کردی نقش اساسی را ایفا کرده است. نخستین آثار داستانی کردی برکنار از این تأثیر نبوده است. گرچه در ادبیات کردی داستان‌های کوتاه بدانگونه که در آثار "آدگار آن پو و گی‌دوموپاسان" وجود دارد رشد نکرده است و این امر حتی تا دهه‌ی اول سده بیستم امکان بروز نداشت مع ذلک نزدیک به یک قرن است که در ادبیات منثور کردی نوع تازه‌ای به وجود آمده است که آنرا «چیروک» یا داستان کوتاه می‌خوانند. این نوع ادبی گرچه بی تأثیر از عربی و ترکی نبود مع ذلک کمی زودتر از نخستین داستان کوتاه فارسی متولد شد.

باوجود گرفتاری‌هایی که در پیشینه داستان کوتاه کردی وجود دارد مع ذلک نمی‌توان از ذکر نام «فواد تمو» در این زمینه به آسانی گذشت. او در سال ۱۹۱۳ م داستان کوتاهی را در نخستین شماره «روژی کورد» (روز کرد) منتشر کرد. از آن جایی که صفحات آغازینه داستان در دست نیست، منتقدان کرد عموماً آن را به عنوان نخستین داستان کوتاه کردی به حساب نمی‌آورند. یکی از دلایل دیگر این امر این است که نام و نشانی از فواد تمو در تاریخ ادبیات کردی وجود ندارد. هنوز تذکره‌نویسان کرد نام و خاستگاه او را به درستی دریافته‌اند و افزون بر آن هیچگونه متن دیگری از او به دست نیامده است.

اگر این مشکلات را برای اثر فواد تمو مدنظر قرار دهیم و آن را از فهرست داستان‌های آغازین کردی حذف نماییم، بی‌شک باید ده سال تا زایش اولین داستان کردی صبر کنیم. زیرا کسی بجز کمال مظهر احمد داستان کوتاه «ع. رحیمی» را که در سال ۱۹۱۸ م در روزنامه «ژین» (زندگی) در استانبول چاپ شده است، به عنوان اولین داستان کوتاه کردی قلمداد نمی‌کند.

برای درک این نکته که نخستین داستان کوتاه کردی چه اثری بوده است باید به این نکته دقت داشت که در شکل‌گیری و ظهور نخستین داستان کوتاه کردی نباید نقش «روزنامه»‌هایی را که در دهه بیست



میلادی در کردستان چاپ می‌شده است، نادیده انگاشت: نخستین روزنامه کردی در سال ۱۸۹۸م به نام «کردستان» در قاهره به چاپ رسید. میرمقداد محمد بدرخان، پنج شماره از این روزنامه را در قاهره و شماره‌های دیگر آن را در ژنو و لندن و... چاپ کرد. در این روزنامه هیچ رمان و داستانی منتشر نشد. انتشار رمان و داستان کوتاه کردی به شیوه پاورقی در روزنامه‌ها، نخستین بار در کردستان عراق شروع شد. روزنامه‌ی «ژیانه‌وه»، نخستین روزنامه‌ای بود که این سنت را پی نهاد. اولین داستان کوتاه کردی در یکی از شماره‌های تابستان سال ۱۹۲۵م این روزنامه منتشر شد. جمیل صائب نویسنده‌ی داستان کوتاه «له‌خه‌وما» (در رویای من) اثر خود را به گویش سورانی منتشر کرد. تعدادی از منتقدان این داستان را که بیست و سه شماره از روزنامه «ژیانه‌وه» را به خود اختصاص داده بود، به عنوان نخستین داستان کوتاه کردی به حساب می‌آورند.

له‌خه‌وما تنها داستان کوتاهی است که به شیوه ای انتقادی، درباره حکومت شیخ محمود نوشته شده است. نویسنده کوشیده است واقعیت را در قالب خواب بازنمایی کند تا بدین وسیله متن از دم تیغ سانسور رهایی یابد. یکی از ویژگی‌های برجسته این داستان آنست که از واژه‌های عربی و فارسی بهره اندکی گرفته شده است. شاید یکی از دلایل این امر این باشد که مردم آن دوره بهتر بتوانند درک کنند یا شاید جمیل صائب برآن بوده که پایه‌ای برای داستان کوتاه کردی بنیان نهد. بعضی از منتقدان کرد این داستان را در شمار نخستین آثار داستانی به حساب نمی‌آورند زیرا برآنند که کتاب به وسیله انگلیسی‌ها و در تخطئه و تخریب حکومت شیخ محمود به رشته نگارش درآمده است. به هر روی آنچه که باعث شده است این اثر را جزو نخستین آثار داستانی کردی به حساب آورند آنست که پیش از جمیل صائب کسی در این راه اثری کامل و مستقل از خود برجای نگذاشته است و بعد از او هم به فاصله‌ی چندین سال احمد مختار برگ داستان «مسئله وجدان» را منتشر می‌کند که نسبت به کتاب جمیل صائب در مرتبه پایین‌تری قرار دارد.

هنوز بر ما پوشیده است که نخستین داستان‌های کوتاه کردی تا چه حد صبغی بومی داشته و تا چه اندازه از بیرون تغذیه شده است. برای نمونه داستان کوتاه «له‌خه‌وما» اثر جمیل صائب مشخص نیست آیا از تکنیک، موضوع و عنوان داستان کوتاه «له‌خه‌وما» اثر کمال نامق شاعر بزرگ ترک بهره برده است و یا چه ارتباطی با داستان‌های زیادی که در ادب عربی تحت عنوان «الرویا» قبل از این اثر چاپ شده‌اند، دارد؟

داستان «له‌خه‌وما» حکایت مردی را بازگو می‌کند که به دنبال شغل از یکی از روستاهای اطراف سلیمانیه به همراه کاروانی از قاچاقچیان راهی شهر می‌شود. به محض ورود به شهر از سوی سربازان شیخ محمود اسیر و به جرم جاسوسی برای انگلیسی‌ها راهی زندان می‌شود. الخ. باوجود آنکه تاریخ چاپ اثر کردی در کردستان ایران با مجله دوزبانه‌ی کردی - ترکی «کوردستان»، در اورمیه باز می‌گردد؛ ولی نخستین تلاش واقعی برای انتشار داستان کوتاه در ایران قبل از انتشار

روزنامه‌ی عبدالرزاق بدرخان، به دست «حسن قزلجی» آغاز شد. کتاب «پیکه‌نینی‌گه‌دا» (خنده‌ی گدا) «ی او سرآغاز داستان کوتاه کردی در کردستان ایران است. قزلجی در دهه چهل میلادی از نویسندگان مشهور روزنامه «کوردستان» بود. «همین» درباره‌ی این داستان گفته است که: «قزلجی ملت کرد را بهتر از هر کس دیگری توانسته است در این داستان به ما بشناساند». قزلجی زمانی کار را آغاز کرد که در بیشتر مناطق کردستان سواد و مدرسه‌ای وجود نداشت. به همین دلیل هم در بسیاری از جاهای داستان گرایش به ادب عامیانه و طنز نمود برجسته‌ای دارد. تنهایی، بیگاری، فقر، عشق، جنگ، ترس، مرگ و... جزو موضوعاتی است که نخستین داستان کوتاه کردستان ایران آن را در خود جمع کرده است. درونمایه مجموعه داستان‌های «پیکه‌نینی‌گه‌دا» بیشتر نارضایتی، ناامیدی، ترس و... است. حسن قزلجی کارهای خود را در مجلات و روزنامه‌هایی چون «هه‌لاله» و «کوردستان» چاپ می‌کرد. از ویژگی‌های داستان‌های کوتاه او، سبک عامیانه کلام است. قزلجی آثار خود را در قالبی مینی‌مالی به شیوه رئالیستی بازگو می‌کند.

در کردستان ترکیه وضعیت چاپ و نشر بیش از دیگر مناطق کردستان آشفته و مغشوش است. نه تنها در این جا ادب داستان‌نویسی پا نگرفت، بلکه بدلیل تضیقاتی که حکومت در این زمینه بر کردها وارد می‌آورد، مجال و زمینه هیچگونه فعالیتی وجود نداشت. طلوع روزنامه‌نگاری کردی در ترکیه در اوایل دهه هشتاد شروع شد و فقط در اوایل دهه ۱۹۹۰م است که نوشتن آثاری به القبای کرمانجی و تحت نظارت شدید در ترکیه پدیدار شد. نخستین نحله‌های ظهور داستان کوتاه در ترکیه راه، کردهای تبعیدی که در حکومت‌های اطراف (ایران، سوریه و لبنان و...) بالاجبار توطن گزیده بودند؛ شروع کردند. بخش بزرگی از مطالب در مجلاتی چون «روناهی» و «روژانو» و سایر نشریه‌هایی که در بیروت، حلب و دمشق منتشر می‌شد حاوی مقداری داستان‌های کوتاه کردی بود.

در خارج از مرزهای کردستان، ادبیات داستانی کردی در میان اکراد ارمنستان از پیشینه طولانی‌تری نسبت به سایر جاها برخوردار است. آنان با تشکیل انجمن فرهنگ و ادب کردی در ۱۹۳۴ و روزنامه از دهه ۲۰ میلادی عملاً راه را برای ادبیات داستانی کردی بازگشادند. علی‌رغم جمعیت اندک کردها در حاشیه‌های شمالی خزر، ولی کسی نمی‌تواند منکر کارهای پروفیسور جلیل جاسم جلیل، ابن عبدال، وزیر نادر، حاجی جوندی، احمدمیرزا، قاچاچی مراد، علی عبدالرحمن، سعید ایبو و مهم‌تر از همه «عاره‌ب شمو» باشد. عرب شمو، که مشهورترین رمان‌نویس کرد در ارمنستان است، به سال ۱۸۹۷م در روستای سوسوز (در شرق ترکیه) چشم به جهان گشود. او که آثار داستانی پربار خود را از ۱۹۳۵ منتشر ساخت، در روند داستان کردی نقش پراهمیتی دارد. شامیلوف (شهمو) که در جریان جنگ جهانی اول به عنوان مترجم برای ارتش روس کار می‌کرد، در سال ۱۹۳۱ در دانشگاه لنینگراد با "قنات کوردو" آشنا شد. این آشنایی فرصت و زمینه‌ی لازم را برای نوشتن در عرصه ادبیات کردی بدو داد. دو رمان او به نام‌های «شوان کورد، (۱۹۷۷)»، «ژیانا به‌خته‌وه» (۱۹۹۰) «از رمان‌های مشهور کردی در ارمنستان است. رمان



«شبان کرد» را شمو با زبان کرمانجی و با نگارش لاتین منتشر کرد. شمو در بسیاری از رمان‌های خود از رئالیسم سوسیالیستی بهره می‌برد. داستان کوتاه در سوریه بدانسان که در عراق و ایران ظهور کرد رشد چندانی نمود. جلادت عالی بدرخان در کردستان سوریه سهم بزرگی در جریان روزنامه‌نگاری و داستان کوتاه کردی داشت. او کار روزنامه‌نگاری را در اواخر ده بیست میلادی شروع و به مدت بیست سال، سه روزنامه را در این کشور هدایت نمود. او در اوایل دهه‌ی سی میلادی همزمان با تغییر رویه ترکیه در خصوص تغییر الفبا از عربی به لاتین، در سال ۱۹۳۲ در دمشق مجله «هاوار(فریاد)» را انتشار داد. این رسم الخط در نزد اکراد ترکیه و سوریه مقبولیت یافت. در این مجله ادبی - اجتماعی گه‌گاه مقالات و داستان‌هایی منتشر می‌شد. این مجله از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۴۳ به مدت بیش از ده سال انتشار پیدا کرد. در سال ۱۹۴۱م جلادت همچنین هفته‌نامه‌ی ادبی‌ای هم به نام «رووناھی» به رسم‌الخط لاتینی در سال ۱۹۴۱ منتشر کرد که در چند شماره آن مقداری داستان به چشم می‌آید. دو سال بعد کامران بدرخان نیز مجله «روزا نوی» را در بیروت انتشار داد. در همین اوان روزنامه «ده‌نگی گیتی تازه» (صدای جهان نو) نیز در نشر ادبیات داستان فعالیت داشت. به هر روی در رشد داستان کوتاه در کردستان سوریه سهم خانواده «بدرخان» ها فوق‌العاده زیاد بوده است.

در میان کردهای عراق کار داستان‌نویسی بعد از انتشار روزنامه پیگیری شد. جالب آنکه در اینجا برخلاف ایران و سوریه، اولین مطبوعات کردی را انگلیسی‌ها انتشار دادند. آن‌ها در اوایل دهه بیستم میلادی دو روزنامه کردی به نام‌های «پیشک‌وتن» و «تیگه‌یشتنی‌راستی» را منتشر نمودند. این روزنامه‌ها گرچه وابسته به یک ارگان یا حزب کردی نبودند مع‌ذک در آنها نخستین آثار داستانی کردی منتشر شد و برخلاف سوریه، تلاش برای تغییر الفبا از عربی به لاتین در اینجا به بار نشست. بعد از «بدرخان» ها جریان روزنامه‌نگاری در کردستان سوریه تا دهه شصت میلادی مسکوت ماند.



برای درک بهتر جریان داستان‌نویسی کردی، دهه‌های سی و چهل میلادی را باید سال‌های ظهور واقعی رمان و داستان کردی نامید. نخستین داستان‌های کوتاه کردی در این دو دهه، برکنار از تاثیر گفتمان عربی - ترکی نبوده‌اند. بی‌شک «محمدعلی کردی» را باید از پیشروان داستان کوتاه کردی در دهه سی قلمداد نمود. درست زمانی که محمد علی کردی نخستین اثر داستانی خود را در سال ۱۹۳۴ م منتشر کرد، «عرب شه‌مو» نیز رمان خود را در ایروان منتشر کرد. در همین دوره «حاجی جوندی» و «امین عودال» نیز در ایروان به نشر ادب داستانی و فولکلور کردی کمک‌های زیادی نمودند. در دهه چهل نام سه تن از داستان‌نویسان در عراق می‌درخشد: ابراهیم احمد، علاءالدین سجادی، شاکر فتاح. دوتا از این افراد، خود از بنیان‌گذاران ادب داستانی در دهه چهل بودند. در روزنامه‌ها و مجلات ادبی این سال‌ها آثار زیادی از این افراد را می‌بینیم. در مجلات «رووناکی» (۱۹۳۶م)، «زانتی» (۱۹۳۸) و روزنامه‌های «زبان» (۱۹۳۷) و «ژین» (۱۹۳۹) که در هه‌ولیر و سلیمانیه چاپ می‌شدند، مقداری داستان کوتاه هم دیده می‌شود. در میان

روزنامه‌ها و مجلات زیادی که در این دهه منتشر می‌شده است شاید در زمینه چاپ داستان «گلاویز» موفق‌ترین باشد. یکی از دلایل این امر آنست که گردانندگان مجله، ابراهیم احمد، علاءالدین سجادی و شاکر فتح خود از داستان‌نویسان بودند. بنابراین اگر این مجله را پایگاه بزرگی برای رشد داستان‌نویسی کردی به حساب آوریم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

در سال‌های پایانی دهه سی و اوایل دهه چهل میلادی با شروع به کار رادیو کردی در بغداد و کتابخانه وسینما در سلیمانیه شاهد رشد داستان نیز هستیم. این امر با انتشار مجله «نیشتمان»-وطن- (۱۹۴۳)، «کوردستان»، «هاواری کورد»- فریاد کرد-، «ثاوات»-آرزو- (۱۹۴۵) در مهاباد، «ده‌نگی گیتی تازه»- صدای جهان نو- (۱۹۴۳) در بغداد، «ستیر»- ستاره- (۱۹۴۳) در بیروت و... فزونی گرفت.

در دهه چهل همچنین نخستین جرقه‌های ادبیات داستانی کودکان در مهاباد با انتشار مجله‌ی «گروگالی مندالانی کورد» در سال ۱۹۴۶ م زده شد. در سال‌های پایانی دهه‌ی چهل علاءالدین سجادی دو هفته‌نامه‌ی ادبی «نزار» (۱۹۴۸) را در بغداد به دو زبان کردی و عربی منتشر کرد که فولکلور و داستان بخشی از مطالب آن را دربرمی‌گرفت. متأسفانه بیش از ۲۲ شماره بیشتر چاپ نشد و توقیف گردید.

درگذشت «پیرمرد» شاعر و داستان‌نویس بزرگ کرد در سال ۱۹۵۰ م غم‌انگیزترین زخم بر تارک داستان‌نویس کردی در دهه‌ی پنجاه بود. بعد از او جمیل صائب سردبیری روزنامه «ژین» را عهده‌دار شد. وفات جلادت بدرخان در سال ۱۹۵۱ در سوریه و محمدعلی کردی در سال ۱۹۵۴ ادب داستانی کردی را در سوگ خود نشانده. در این دهه نیز همچون دو دهه گذشته، روزنامه‌ها و مجلاتی چون «هه‌تاو، ژین، شفق، هیوا، هونه‌ر، به‌یان و...» در پیشبرد داستان کوتاه کردی نقش مهمی ایفا می‌نمودند. افتتاح رادیوی کردی «ایروان، قاهره و تهران» در این دهه هم که دقایقی را به فولکلور کردی اختصاص می‌دادند زمینه خوبی برای رواج داستان‌نویسی فراهم می‌ساخت. اغراق در ارزش‌های بومی، و توجه فراوان به جاذبه‌های فولکلوریک، عامل عمده‌ای برای محدود شدن دید نویسنده و دنیای داستان در دهه چهل می‌باشد.

در داستان‌های کردی سده پنجاه، نویسندگان عموماً به مسایلی چون آزادی، شورش، بیسوادی، قمار و مسایل زنان پرداخته‌اند: ابراهیم احمد، رمان «ژانی گه‌ل» (درد ملت) را در سال ۱۹۵۶ نوشت ولی تا سال ۱۹۷۲ به صورت کتاب به چاپ نرسیده بود. در ۱۹۶۹ بخش‌هایی از آن در روزنامه کردی «رزگاری» در سلیمانیه منتشر شده بود. داستان این رمان درباره رنج‌های مردم کرد است. ابراهیم احمد این رمان را به جنگجویان الجزایر تقدیم کرده بود. بجز ابراهیم احمد، در دهه پنجاه در عراق افراد زیر نیز در داستان کوتاه کوشیده‌اند: مصطفی صالح که‌ریم، محرم محمد امین، عبدالله میدیا، محمد صالح سعید، جمال بابان و... در همین دهه احسان مصطفی که در هه‌ولیر (اریل) می‌زیست، چهار داستان کوتاه نوشت.

داستان کوتاه کردی در دهه شصت در عراق بیشتر به بررسی مسایل سیاسی گرایش پیدا کرد. در این دوره است که برای نخستین بار «هویت کردی» در رمان و داستان کوتاه مطرح می‌شود. داستان، سادگی دوره‌های قبل را از دست داده و به نوعی هارمونی و انسجام قوی‌تری دست پیدا می‌کند. و رمز نیز در



داستان کردی جاپایی باز می‌کند. در همین دهه، افرادی چون احمد شاکلی، لطیف حامد و صدرالدین عارف توانستند داستان کوتاه را در قالبی «نو» ارائه نمایند. یکی از دلایل این امر شورش ایلول بود. محرم محمدامین، کاویس قفتان، محمد مولود مم، مصطفی صالح کریم، رئوف بیگرد، محمدنوری توفیق، مارف خزنده‌دار از کسانی بودند که دهه شصت به نوشتن داستان پرداختند. بسیاری از آن‌ها در دهه پنجاه آثار گرانتقدری آفریده بودند.

«محمد مولود مم» نخستین داستان‌نویس کردی است که با تکنیک «داستان در داستان» هندی در این دوره، داستان «ریگا» را نوشته است. در این اثر برای نخستین بار است که یک داستان‌نویس بر اثر داستانی خود مقدمه می‌نویسد.

در این دهه، به‌خاطر تنگناهایی که در زمینه نشر ادبیات کردی وجود داشت، نویسندگان برای نشر آثار خویش دچار مشکلاتی بودند. به همین دلیل در ادب داستان‌نویسی عراق نمی‌توان به اثر و کتاب شاخصی در این عصر اشاره نمود. بسیاری از نویسندگان آثار خود را در خارج از کردستان نشر دادند. رحیم قاضی رمان «پیشمرگه» را در سال ۱۹۶۱م در ایروان چاپ کرد. مارف خزنده‌دار داستان «دوازده سواره‌ی مریوان» در اواخر این دهه در مسکو چاپ کرد. «جمال نیز» داستان کوتاه «لالو کریم» را به آلمانی نگاشت. تنها در اواخر این دهه با بازشدن فضای سیاسی نسبی‌ای، علی عبدالرحمان توانست رمان «گوندی میرخاسا» را در سال ۱۹۶۸ نشر دهد. در پایان دهه شصت و اوایل دهه هفتاد - که اوضاع کردستان کمی آرام شده بود - تعدادی روزنامه و مجله منتشر شد که کمک شایانی به نشر ادب داستانی کرد. بعضی از این مجلات، شماره‌هایی به داستان کوتاه اختصاص دادند که مجله «روزگاری» (آزادی) یکی از آن‌ها بود. احمد محمد اسماعیل داستان «دارک‌هی بهر مالمان» (۱۹۶۸) را در یکی از شماره‌های آن منتشر کرد.

کوشش محققان کرد در ارمنستان در این سال‌ها شایان تقدیر است: اردوخان جلیل و حاجی جوندی بسیاری از داستان‌ها و حماسه‌های کهن کردی را در قالب داستان‌های شیرین نشر دادند.

در دهه هفتاد میلادی تمامی گرد و خاکی که ادبیات کردی را فراگرفته بود از بین رفت. داستان کردی از خواب برخاست و افرادی چون: شیرکو بیکه‌س، کاکه مہم بوتانی، جلال میرزا کریم، حسین عارف، جمال شاربازی‌ری از جمله افرادی بودند که در زمینه داستان کوتاه و رمان چندین اثر را منتشر کردند. هرچند که دهه‌ی هفتاد، دهه طلایی ادبیات داستانی کردی است و سیل داستان کوتاه کردی وارد بازار کتاب شد. مع‌ذکب بسیاری از این آثار از شیوه‌ای نو بهره می‌بردند که برای خواننده نامتعارف بود. در بسیاری از آن‌ها نشانه‌های خامی و تازگی دیده می‌شود. نویسندگان این آثار به تقلیدی کورکورانه از آثار دهه پنجاه می‌پرداختند. «اخبارگونگی» و «بی‌توجهی به زمان» از خصلت‌های این آثار بود. بسیاری از این افراد حتی از ادبیات و فلسفه نیز سررشته‌ای نداشتند به همین خاطر است که بعد از یک یا دو اثر، کار را رها کردند. از نمونه‌های خوب این سده می‌توان به آثار زیر اشاره نمود: «لاساریک له کاروانه ویله‌که‌دا» اثر

صلاح شوان، «دانهیل وشتی تردا» اثر دلشاد مریوانی، «له فرهه‌نگی ئارزووی ئهم شاره‌دا» و «ئاشتی کوردستان» اثر محمد صالح سعید و...

در این دوره نویسندگان از تکنیک‌های نوی بهره می‌گیرند. عبدالله سراج از پیشتازان کاربست تکنیک در داستان کوتاه کردی است. او این تکنیک را در داستان «هه‌لکیشان به‌رهو لوتکه» (صعود به سوی چکاد) به خوبی نمایانده است. استفاده از «نامه» در پروراندن داستان - که تا این غایت در ادب داستانی کردی مرسوم نبود - به‌وسیله «محمد فریق حسن» در داستان «خاچ»، رضا سیدگل در داستان «ده‌نگی شمشالی شوان» و محمد فریق حسن در داستان «اروانی به‌رو خور» و بعدها «نجیبه ئهمه» مورد آزمایش قرار گرفت.

استفاده از تکنیک‌های سینمایی در آثار کسانی چون «طه احمد رسول، محمد رشید فتاح، حسین عارف و دیگران» و استفاده از تاریخ و افسانه در آثار کسانی چون مصطفی صالح کریم در «قه‌لای دم‌دم» و رئوف بیگرد در «به‌یتی سمو»، جلیل کاکه‌وه‌یس در «له راگوزاریکدا» و «گه‌واله خهم» از دیگر مشخصه‌های نثرهای داستانی این دوره است.

در این دهه جمع بزرگی از شعرا و داستان‌نویسان در کردستان ایران، با کار در رادیو و مجلات به نشر داستان کوتاه کردی کمک زیادی نمودند. سواره ایلخانی‌زاده، ماموستا محمد نوری، هه‌ژار، هیمن، جلال ملکشا، کریم قیومی، احمد قاضی و... از جمله این افراد بودند.

«سعید ناکام» را نیز باید جزو نویسندگان دهه هفتاد به حساب آورد. او با نگارش داستان «ئاگری بن کا» که به صورت پاورقی در سال ۱۹۷۱ در مجله «نوسه‌ری کورد» منتشر شد؛ توانست مدال طلای مجله را از آن خود کند. این اثر از نمونه‌های خوب دهه هفتاد است که وقایع آن به جای کردستان در کشمیر اتفاق می‌افتد. سعید ناکام علاوه بر این، مجلات «روژی کوردستان» و «برایه‌تی» را نیز منتشر می‌کرد. از وقایع ناگوار این دهه، وفات ملا نجم‌الدین (در سال ۱۹۷۰م) از داستان‌نویسان کردستان عراق بود که در طول حیات خویش بیش از نود داستان کوتاه را برای کودکان نگاشت.

رمان کردی بعد از دهه هفتاد سه گرایش را به خود دید: کسانی که به شیوه‌ای نوین و ابتکاری دست به کار شدند چون: بختیار علی، احمد ملا، جبار جمال غریب، صلاح عمر، فرهاد پیربال، شیرزاد حسن، صباح مجید، عطا محمد، کاروان عمر کاکه سوور، هیوا قادر، عطا نهایی، جزا چنگیانی، عبدالله سراج و... دسته‌ای دیگر به شیوه‌ای کهن در قالبی رئالیستی می‌نوشتند چون: حسام برزنجی، حسن جاف، احمد محمد اسماعیل، انور محمد طاهر، خسرو جاف، محمد فریق حسن، عصمت محمد، طه احمد رسول، محمد کریم هورامی، سلام منمی، کاروان عبدالله، ناجی طه برواری و... گروه دیگری که با تلفیق شیوه‌های کهنه و نو به سبکی جداگانه دست پیدا کرده‌اند از این میان می‌توان به: «رئوف حسن»، «محمد مکر»، «فرخ نعمت‌پور»، «مولود ابراهیم حسن»، «صالح عبدالله»، «حسین شیرینیگی» و... اشاره کرد. داستان کوتاه



کردی که تا دهه هفتاد میلادی بیشتر درباره بدبختی های منطقه‌ای، فقر و نداری صحبت می کرد، در این دهه با ظهور «شیرزادحسن»، فرم و موضوعاتش به یکباره عوض شد.

شیرزاد حسن با آفرینش آثاری چون «حه‌سار و ...سه‌گه‌کانی باوکم»، «پیده‌شتی کارمامزه کوژراوه‌کان» مرزهای رمان را پشت سر نهاد و تکنیک‌هایی را در داستان‌نویسی کردی به کار برد و بدین وسیله در رمان کردی نام بزرگی از خود برجای نهاد. شیرزاد حسن داستان‌نویسی را از سیزده سالگی شروع کرد. یکی از ایراداتی که منتقدان بر آثار شیرزاد حسن وارد می‌کنند، آکنده‌بودن داستان‌های او از مسایل جنسی است. این امر گرچه در نثر کردی سده‌های پیشین هم کم و بیش وجود دارد مع ذلک در داستان‌های شیرزاد حسن با تئوری‌های روان‌شناسانی چون فروید، پاولوف و... پیوند خورده است. شاید این امر به غربت کودکی‌ای برگردد که شیرزاد در همه مصاحبه‌های خویش از آن یاد کرده است و یا اینکه مطالعه آثار ناتوراآیستی امیل زولا در اوان کودکی در او این حس را ایجاد کرده باشد.

صلاح عمر از دیگر داستان‌نویسانی است که در سال ۱۹۸۶ با مجموعه داستان «لیکترازان» توانست نامی بزرگ برای خود در میان خیل داستان‌نویسان دهه هشتاد باز کند. بعد از استقبالی که از این اثر او به عمل آمد چندین مجموعه‌ی دیگر را نیز منتشر کرد که از آن میان، «تاریکستانی لم»، «ولاتی تارمایی»، «گه‌مهی ورده ماسی»، «دوا نامه‌ی دیوه‌ره‌یه‌ک» و... درخور توجه‌اند. صلاح عمر در بیشتر آثارش افسانه، خیال و واقعیت را در هم آمیخته است. گاه وهم و واقعیت را در تقابل هم قرار داده است. در داستان «میتاموفوس» شخصیتی را می‌بینیم که در برابر ماه قرار گرفته و دچار سحر شده است. همه افراد و اشیاء اطراف خود را شب‌خوار می‌بیند...

شروع به کار انتشارات صلاح‌الدین ایوبی در ارومیه در سال ۱۹۸۴م زمینه را برای نشر فرهنگ و ادب کردی در کردستان فراهم آورد. این انتشارات که از تأثیرگذارترین مرکز نشر کردی در کردستان ایران است، توانست در طول حیات خود در پیشبرد ادب داستانی موثر واقع شود. انتشار مجله فرهنگی - ادبی «سروه» در این دوره زمینه لازم را برای رشد دوباره ادب داستانی در کردستان ایران فراهم آورد به طوری که این مجله در فاصله ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۰م تعداد ۵۰۱ داستان کوتاه را به چاپ رساند. (ازرمان تاملت ص ۲۰۵). در این مجله آثار داستان‌نویسانی چون «عطا نهایی»، «فتاح امیری»، «جلال ملکشا»، «جمیل ثاسو»، «پرویز جهانی»، «مریم قاضی»، «عزیز کیخسروی»، «احمد حقناس»، «رسول ویسی»، «مارف آغایی»، «محمد رضانی»، و... در بیشتر شماره‌ها به چشم می‌خورد. محمد رضانی در اوایل دهه شصت شمسی (۸۰میلادی) با نقد و تحلیل داستان‌های کوتاه دیگران کار را شروع نمود. دنیای داستان کوتاه اروپایی بر کارهای او سایه افکنده است و گاه حتی از اسامی پهلوانان و اساطیر اروپایی برای پروراندن داستان سود می‌جوید. او در دهه‌شصت شمسی، هر هفته در خانه خویش، جلسات نقد و تحلیل داستان را برگزار می‌نمود. «باقه‌بین» اثر احمد قاضی نخستین داستان کوتاه کردی بعد از انقلاب ۱۹۷۸م ایران است. این داستان در سال ۱۹۸۱م منتشر شد.

در زمینه ادبیات داستانی کودکان هم افرادی زیادی در آن به کار مشغول بودند که نام‌هایی چون «محمدصادق اسماعیل زاده»، «عباس عبدالهی»، «عبدالکریم قیومی»، «مصطفی رحیم‌زاده» و... از جمله این افرادند. در همین سال‌ها هم مجلات «آمانج»، «ثاوینه» آثار تعدادی دیگر از داستان‌نویسان چون «احمد طه»، «جواد جوهری»، «احمد دشتی» و... را منتشر کرد.

ادبیات داستانی کردی در دو دهه اخیر با وجود تعدد آثار و نویسندگان آن، هرگز نتوانسته ایهت داستان کوتاه کردی را در دهه هفتاد میلادی به دست آورد. معدودی از داستان‌نویسان این دوره توانستند به آفرینش آثاری زیبا و هنرمندانه دست پیدا کنند که «جبار جمال غریب» یکی از آن افراد است. او با داستان «شب یلدا» در مجله «به‌یان» توانست خود را به خوانندگان داستان کوتاه بشناساند. جبار با انتشار داستان‌های «هه‌تکی روح» (بی‌آبرویی روح) و «ژنانی ئاو» (زنان آب) در سال ۱۹۹۷م خود را در زمره نویسندگان نوگرای بزرگ دهه نود قرار داد. جبار جمال غریب با به کار بستن زبانی رمانتیک و شعری، دردهای اجتماع خود را در آثارش هنرمندانه به تصویر کشیده است و در پیروی از «رولفو»، «آستوریاس»، «خولیو کورتاسار»، «ماریو بارگاس یوسا» داستان را با افسانه و اسطوره پیوند داده است. ویژگی برجسته داستان‌های او استفاده از زبان شعری و دلالت‌هایی است که در لابه‌لای زبان خیالی او نهفته است. از آثار دیگر او می‌توان به «شیخی داموس» (۱۹۸۸)، «نامه‌کانی ژاکون» (۲۰۰۲)، «دنیا له کتیبیکدا» (۲۰۰۲)، «چناری شیر» (۱۹۹۹) و ... اشاره نمود.

«بختیار علی» یکی دیگر از چهره‌های ادبیات داستانی دهه‌ی نود میلادی است. این شاعر، رمان‌نویس و نظریه‌پرداز کرد عراقی در سال ۱۹۶۰ در شهر سلیمانیه عراق چشم به جهان گشود و در همانجا تحصیلات مقدماتی و متوسطه را به پایان رساند و سپس در دانشگاه‌های «سلیمانیه» و «هولیر» (اربیل) به تحصیل در رشته زمین‌شناسی پرداخت تا اینکه در تظاهرات دانشگاه سلیمانیه در سال ۱۹۸۳ مجروح شد. بدین ترتیب بود که دانشگاه را رها کرد و تمام وقت خود را صرف آفرینش آثار ادبی کرد. با راه افتادن جنگ داخلی میان احزاب سیاسی کردستان عراق در سال ۱۹۹۴م کردستان را ترک کرد و رهسپار سوریه شد و از آن جا خود را به آلمان رساند و در آنجا به همراه جمعی از همراهان کرد خود، مجله «ره‌هه‌ند» را پایه‌گذاری کرد. بختیار علی نخستین رمانش «مرگ دومین تک فرزند» را در سال ۱۹۹۷ در سوئد منتشر کرد و یک سال بعد نیز دومین رمان خود با عنوان «غروب پروانه» را در سوئد به چاپ رساند. وقتی که رمان سوم او با عنوان «واپسین انار جهان» سال ۲۰۰۲ در سلیمانیه منتشر شد؛ اتفاقی جدید در عرصه‌ی رمان‌نویسی کردی روی داد و توجه خیل فرهیختگان و نویسندگان و شاعران کرد را بر انگیخت. رمان‌های «شهر موسیقیدانان سپید» و «غزل‌نویس و باغ‌های خیال» از آثار متأخر این رمان‌نویس مشهور نوگرای کرد هستند. این پنج رمان بختیار علی گنجینه بزرگ ادبیات کردی هستند. آثار «بختیار علی» سرشار از شاعرانگی، خیال و تصاویر رنگین است.



در دو دهه‌ی اخیر در کردستان ایران تعداد زیادی داستان کوتاه منتشر شده است که در این میان آثار «عطا نهایی» بیشتر مورد توجه خوانندگان و منتقدان ادبی قرار گرفته است. عطا نهایی در سال ۱۳۴۰ ه.ش در شهر بانه در کردستان ایران متولد شد. وی تا کنون چند مجموعه داستان کوتاه و سه رمان به زبان کردی نوشته است. جدای از این، وی آثاری از داستان‌نویسان ایرانی و دیگر ملل به زبان کردی ترجمه نموده است. داستان‌های «بالنده‌کانی دهم با»، «ئه‌وبالنده برینداره که منم»، «زریکه»، «گولی شوران»، «گروه‌وی به‌ختی هه‌لاله»، «ته‌نگانه» و... از آثار عطا نهایی است. فضای حاکم بر داستان‌های نهایی عموماً تنگ، تاریک و خلوت کده‌های وهم‌آلود است. شهرام قوامی یکی دیگر از چهره‌های داستان‌نویسی کردستان ایران در سال ۱۳۵۳ ه.ش در شهر سنندج به دنیا آمده است. از این نویسنده تاکنون سه رمان با عناوین «سهیلا»، «بیریا»، «پالتاشور» و ترجمه‌ای از رمان «بلندی‌های بادگیر» امیلی برونته به کردی چاپ و منتشر گردیده است. بجز عطا نهایی و شهرام قوامی در کردستان ایران «عبدالخالق یعقوبی»، «مراد اعظمی»، «مهسا محبعلی»، «عزیز محمودپور»، «حسین شیربه‌گی»، «صالح سوزنی» و... آثاری در این زمینه منتشر نمایند.



در یک دهه اخیر ترجمه‌ی آثار نویسندگان خارجی خصوصاً ادبیات داستانی آمریکای لاتین و رمان نو فرانسه، جریان داستان‌نویسی در کردستان با استقبال کمتری روبرو شده است. آشنایی با آثار نویسندگان آمریکای لاتین چون «گابریل گارسیمارکز»، «خورخه بورخس»، «ماریو بارگاس یوسا»، «پائولو کوئیلو»، «کارلوس فوئینتس» و... از اوایل دهه حاضر شروع شده است. علت توجه وافر بدین امر را باید در محیط مشابه رمان‌ها دانست. این امر کوشش‌های نویسندگان جوان را به سمت و سوی ترجمه سوق داد. ما در این مقاله برای تکمله بحث بر خود شایسته می‌دانیم که به سرگذشت «ترجمه» ادبیات داستانی نیز اشاراتی داشته باشیم:

ترجمه‌ی آثار خارجی به زبان کردی از دهه سی میلادی شروع شد. تا این زمان هیچ رمانی به زبان کردی ترجمه نشده بود. بیست سال بعد هم گذشت تا ما بتوانیم ترجمه ده رمان را - که زبان اصلی آن‌ها عموماً ترکی، عربی و فارسی بودند- به زبان کردی شاهد باشیم. این تعداد بعد از گذشت چهل سال یعنی تا سال ۱۹۹۰ به بیش از ۱۶۰ داستان رسید (از زمان تاملت ص ۲۲۹).

شاید «پیرمیرد» قدیمی‌ترین کسی باشد که به ترجمه رمان به زبان کردی همت گماشته است. او سال ۱۹۵۰ داستان «تار نواز» را از ترکی به کردی برگرداند.

«کامران بدرخان» و «جمال نه‌بز» از جمله کسانی هستند که در زمینه ترجمه داستان از کردی به آلمانی و برعکس، کوشش‌های زیادی نموده‌اند: جمال نه‌بز در سال ۱۹۷۲ م مجموعه‌ای از افسانه‌ها و داستان‌های کوتاه کردی را به زبان آلمانی برگرداند. او پیش از این نیز در ۱۹۶۸ داستان کوتاه «لالو کریم» را به آلمانی نوشته بود و منظومه‌ی داستانی «مم و زین» احمد خانی را نیز به آلمانی برگردانده بود.

در زمینه ترجمه آثار داستانی از انگلیسی به کردی، مترجمان زیادی به کار مشغولند که «آزادمحمد شریف»، «ابراهیم یونسی»، «عبدالخالق یعقوبی» و... از آن جمله‌اند. آزادمحمد شریف، بلندی‌های بادگیر امیلی برونته، چهره هنرمند در دوره جوانی و دوبلینی‌های جویس، و آثاری از آرتور میلر، کافکا، یوجین اونیل و... را به کردی برگردانده است.

ابراهیم یونسی نیز بیش از ۵۰ مورد رمان و داستان کوتاه را ترجمه نموده است که «آرزوهای بزرگ از چارلز دیکنز»، «طوفان از ویلیام شکسپیر»، «ک جفت چشم آبی از توماس هاردی»، «مردی که خورشید را در دست داشت از جک ریچاردسون»، «دفتر یادداشت روزانه یک نویسنده از فئودور میخایلوویچ داستایفسکی»، «اسپارتاکوس از هوارد فاست» و... از جمله این آثار است.

ادبیات «ترکی» نیز از جمله زبان‌هایی بود که به دلیل نزدیکی مرزها و شناخت کردها از آن، آثار داستانی زیادی از این ادبیات به کردی برگردانده شد و در رشد ادب داستانی کردی موثر واقع شد. از جمله نویسندگانی که آثار آنها به کردی برگردانده شد می‌توان به «سلیم برکات»، «عزیز نسین» و مهمتر از همه «یاشار کمال» اشاره نمود. یاشار کمال از بزرگترین نویسندگان کرد در ترکیه است که تقریباً تمام داستان‌های او به کردی ترجمه شده‌اند. «عیسی چپایی»، «احمد محمد اسماعیل» و... از مترجمان آثار داستانی ترکی به کردی‌اند. عبدالله جودت نیز بیش از سی کتاب را به ترکی برگرداند که بسیاری از آن‌ها داستان بود.

«آرام کاکه‌ی فلاح» و «مارف خزنه‌دار» هم در زمینه ترجمه آثار داستانی روسی به کردی تلاش نموده‌اند. مارف خزنه‌دار چند داستان کوتاه کردی را در سال ۱۹۶۹م به زبان روسی ترجمه کرد که «دوازده سوار مریوان» از جمله آن‌ها بود.

احمد ملا - که در اسپانیا زندگی می‌کند - در زمینه ترجمه آثار داستانی فرانسوی و اسپانیولی مشغول به کار است. او از مترجمین معروف داستان‌های میلان کوندرا به کردی است.

فواز حسین (کوردو حسین) از رمان‌نویسان مشهور کردستان سوریه است که به کرمانجی و فرانسوی داستان‌های خود را می‌نویسد. فواز حسین در ترجمه داستان از فرانسوی به کرمانجی و برعکس کوشش‌های زیادی انجام داده است. بیگانه آلبر کامو، شاهزاده کوچولو سنت اگزوپری و... از جمله ترجمه‌های او به کرمانجی است. «سیبهری ئه‌وین» محمداوزون نویسنده کرد را نیز به فرانسوی برگردانده است. در این دهه اخیر زبان فارسی بیشترین ترجمه را به خود اختصاص داده است: «محمد محمد سعید»، «عطا نهایی»، «دلاور قره‌داغی»، «حسین شیربه‌گی»، «آزاد برزنجی»، «هورامان وریا قانع» و... نیز بسیاری از آثار داستانی فارسی را به کردی برگردانده‌اند.

تا سال ۲۰۰۹ هیچ‌گونه رمان و داستان کوتاه به زبان کردی اورامی ترجمه نشده بود. در این سال کورش امینی با ترجمه داستان «شاهزاده کوچولو» (شازاده وه‌شله) سنت اگزوپری توانست در این زمینه پیشقدم

پرتال جامع علوم انسانی



گردد. «حسین کریمی» نیز با ترجمه داستان‌هایی از نویسندگان معاصر فارسی و آمریکای لاتین و نشر آن در مجلات کردی کمک شایانی به جریان ترجمه به زبان کردی اورامی کرده است.



شایسته است اندکی درباره «موضوع» رمان و داستان‌های کوتاه کردی هم سخن گوئیم: اندیشه‌ها و ایده‌هایی که از یک قرن پیش تا این غایت در رمان و داستان‌های کردی گنجانیده شده است، کمترین تغییر را به خود پذیرفته است. بسیاری از رمان‌های عرب شمو از رئالیسم سوسیالیستی بهره می‌برند که بعد از جنگ جهانی دوم جای خود را به رمان فرانسه نو و رئالیسم جادویی آمریکای لاتین داد و نویسندگان جوان در دو دهه اخیر از آن در آثار خویش بهره برده‌اند. تقلید از رمان‌های آلن روب گریه، کلود سیمون، بورخس، جورج آمدو، استوریاس و... از یک دهه پیش شروع شده است. این تأسی و تقلید، باعث شده تا چرخشی در موضوعات نیز پدیدار شود.

در سال‌های دهه سی تا اواسط دهه چهل میلادی «آغا»، «رعیت»، «زمین»، «قدرت» و مشکلات دیگر اجتماعی، دستمایه‌های بزرگ رمان‌های کردی بوده است. رمان و داستان کوتاه کردی در این دوران، بیشتر کشمکش بین قدرت و ملت است و گزارشی است مستندگونه از این امر. خواب و خیال‌هایی که در این داستان‌ها وجود دارد عموماً وهمناک و آلوده به خیانت و نشانه‌هایی از ترس را در دل خود نهفته دارد. برای نمونه می‌توان به چند نمونه زیر اشاره کرد: عرب شمو در رمان «قه‌لای دهم دهم» (قلعه دمدم) به خیانتی می‌پردازد که باعث می‌شود قلعه از دست کردان رها شود.

جمیل صائب در داستان «له‌خوما» به وضعیت زندگی کردها در دوره حکومت شیخ محمود در کردستان عراق پرداخته و از آن انتقاد نموده است.

حسن قرلجی در داستان «پیکه‌نینی‌گه‌دا» به مشکلات کردستان ایران می‌پردازد. او حتی به دورترین آبادی‌های منطقه «ژاوه رود» در اورامان سرک می‌کشد و بیسواد و بیگاری و فقری که بر سرزمین چمباتمه زده را به تصویر می‌کشد.

ابراهیم احمد در رمان «ژانی‌گه‌ل» (درد ملت) به بیان سوزاندن سرزمین، فقر، در بدری و مشکلاتی می‌پردازد که ملت کرد از جنگ عایدش می‌گردد.

احمد مختار جاف در رمان «مسئله‌ی وجدان» به بررسی کشمکش بین ملت و قدرت، سواد و بیسواد، عقب‌ماندگی ملت در قالبی رئالیستی می‌پردازد.

محمد مولود مم در رمان «ریگا» (راه) - که از شاهکارهای ادبی داستان‌نویسی کردی است - به بحث عقب‌ماندگی ملت کرد، اشاره نموده است.

در داستان (هه‌وره پیسه‌که) جمال بابان به بیان سیل عظیم سلیمانیه در سال ۱۹۵۷ می‌پردازد. داستان زندگی یک خانواده پنج نفری را روایت می‌کند که گرفتار سیل گردیده‌اند. مادر خانواده و دو فرزند می‌میرند و پدر و فرزند باقیمانده‌اش زندگی را با خاطراتی از فوت‌شدگان بسر می‌برند.

بررسی آثار همه نویسندگان کرد در این دوره دورنمای کاملی از زندگی جامعه کرد به دست می‌دهد که برای بررسی‌های جامعه‌شناسانه فوق‌العاده مهم‌اند. در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی ادب داستانی در کردستان کماکان این رویه را ادامه داد. در پاره‌ای از آثار دهه هفتاد مسایل جدی‌تری وارد داستان گردید: «حقوق فرد»، «آزادی» و... از جمله این مسایل بود. در دهه هشتاد با بالا گرفتن قتل و کشتار کردها به وسیله حزب بعث (انفال) و جنگ داخلی و برادرکشی در دهه نود، داستان‌نویسان در پرداخت‌های خویش بدین سو کشانده شدند. با بررسی مجملی از این داستان‌ها می‌توانیم، بهتر تصاویر آن را در ذهن مجسم نماییم:

فواز حسین در رمان «رووباره» به زندگی خانواده‌ای حلبچه‌ای بعد از بمباران شیمیایی اشاره دارد که بعد از رسیدن به اروپا در آنجا هم آواره می‌شوند.

حسین عارف در داستان «هیالنه» و احمد محمد اسماعیل در «به‌هاری ره‌ش» به بیان رویدادهای انفال می‌پردازند. غفور صالح عبدالله نیز در رمان «ماسیبه‌کان» (ماهی‌ها) به تخریب آبادی‌های کردستان در اثر جنگ پرداخته است. جلیل کاکه‌ویس هم در داستان «له راگوزاریکدا» به جنگ، تخریب و تبعات آن اشاره کرده است. داستان «بوشایی» احمد محمد اسماعیل به بیان کشتار تمام مردان یک روستا دارد. زنان و دختران منتظر بازگشت مردان روستایند ولی... الخ همین نویسنده در داستان «هاوار» (فریاد) حکایت فردی را بازگو می‌کند که کدخدا او را به دنبال کاری به منطقه‌ی گرمیان می‌فرستد ولی در راه در چاهی می‌افتد... و به وسیله‌ی اسبی نجات می‌یابد. در این داستان اسب نماد آزادی و چاه نماد دوزخ زندگی در دیکتاتوری بعث است.

محرم محمدمین گزارشگر درون خود و اطرافش است. آثار او صدای بیدار زجرکشیدگان جامعه کرد است. او در داستان «مردووی زیندوو» (مرده زنده) سخن از شهر افسانه‌ای به میان آورده است که همه مردمانش مرده‌اند. در داستان (پیایوی کاروان) محمد صالح سعید، قهرمان داستان بعد از طی سختی‌های زندگی جان می‌بازد. نارام کاکه‌ی فلاح از داستان‌نویسان نوگرایی کرد است که به زندگی دانشجویان کرد در دانشگاه موصل پرداخته است.

در دهه‌ی اخیر، به دلیل آشنایی بیش‌تر نویسندگان با محیط و ادبیات اروپایی، شماری از موضوعات جدید در رمان و داستان‌های کوتاه کردی راه پیدا کرده‌اند. این موضوعات بیشتر در داستان‌های کوتاه روزنامه‌های در تبعید خود را نشان می‌دهد: انتشار بیش از یکصد و چهل روزنامه و مجله کردی در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ به فاصله نیم قرن، نشان از فعالیت گسترده کردها در خارج از کشور دارد.

این موضوعات در رمان و داستان‌های کوتاه نیز به وضوح دیده می‌شود: انور قادر رشید در داستان «ئهم وئهو» و شیرزاد هه‌ینی در رمان «سوتانی به‌فر» و انور محمد در رمان «سه‌گدوست» به بیان پناهندگی و مشکلات آن پرداخته‌اند.



مصطفی صالح کریم در داستان «چه‌ندم لی ده‌ستینی» (چقدر ازم می‌گیری؟) بیش از همه نویسندگان به معضل بزرگ کارگری در مرز کردستان اشاره کرده است.

فاروق هومر در داستان کوتاه «باوکم» (پدرم) به نقشه و توطئه‌ی کشتن پدر از سوی فرزند اشاره می‌کند. کاروان عمر کاکه سور در رمان «ماسی» (ماهی) به بیان عشق دختری به مادرش پرداخته است که از دوردستها برای او در هه‌ولیر نامه می‌نویسد.

بریا کاکه سور در مجموعه داستان کوتاه «گورگ» (گرگ) «تناسخ» را - که در داستان‌های کافکا رگه قوی دارد- بن‌مایه داستان‌های خود قرار می‌دهد. رئوف بیگرد در داستان کوتاه «شار» (شهر) به بررسی قدرت، حکومت و آزادی می‌پردازد. جمله آغازین داستان «شار ژنی شرعی حکومت» (شهر زن شرعی حکومت است) ولوله‌ای در داخل وزارت و کشور ایجاد می‌کند و داستان در پناه این جمله آرام آرام تداوم پیدا می‌کند. سلام عبدالله ابراهیم در رمان‌های «ئه‌لوه‌ن ئه‌مبه‌رو ئه‌وبهر» و «گومانه یاخیه‌کانی که‌لات» با اینکه در آلمان است ولی فضای کردستان را فراموش نمی‌کند. عطا نهایی در داستان «بالنده‌کانی ده‌م با» به یکی از مهم‌ترین معضل جامعه کردستان ایرانی، «خودسوزی زنان» پرداخته است. سوژه اصلی حاکم بر داستان بازکاوی خاطرات گذشته است. داستان روایت عشق تعدادی دختر و پسر را به تصویر کشیده است که در پروسه گذر زمان در حرکتند.

عطا محمد در داستان «سفر افسانه‌ای» به گردشی در سرزمین بابان‌ها پرداخته است. اندیشه‌هایی که در این کتاب وجود دارد همگی به بحث پیرامون سفر اختصاص دارد زیرا در امیرنشین بابان به سفر کم توجه شده است. «نالی» شاعر بزرگ کرد به عنوان یکی از قهرمانان داستان است. عطا در این داستان نابودی بابان را در بی‌حرکی و نبود سفر دانسته و بر آن است که نزد امیرنشینان بابان واقعیت بر گمان چربش داشته است و از همین روی است چون سیستمی فارغ از گمان شد مرگ آن حتمی است. شاید در هیچ یک از داستان‌های کوتاه کردی بیش از داستان محمد رشید فتاح به نام «هه‌لوکانی ژیر خاک» (۱۹۹۷) نتوانیم به خوبی تأثیر ادبیات اروپایی و خصوصاً فرانسه را دریابیم: داستان‌نویس در این داستان به تبعیت از مارسل پروست (قس: در جستجوی زمان گمشده) توانسته است به بیان تفاوت زندگی اقشار ثروتمند و محروم جامعه از زبان یک راننده اشاره کند.

مراجع:

- ۱- هاشم احمدزاده، از رمان تا ملت، ترجمه بختیار سجادی، سندج، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۸۶
- ۲- حوسین عارف، چیروکی هونه‌ری کوردی، ده‌زگای روشنییری و بلاو‌کردنه‌وی کوردی، بغداد ۱۹۷۷
- ۳- سه‌لیم ره‌شید صالح، شیواز له کورته‌چیروکی کوردیدا، هه‌ولیر ۲۰۰۵
- ۴- زاهیر روژبه‌یانی، چیروکی هونه‌ری کوردی، هه‌ولیر ۱۹۹۷
- ۵- ئه‌حمده محمدهد ئیسماعیل، چهند سه‌رنج و بوچونیک له باری چیروکی کوردی، رامان ژماره ۱۳۶
- ۶- حسن قزلجی، پیکه‌نینی‌گه‌دا، به‌غدا، چاپخانه‌ی علاء، چاپی دووهم، ۱۹۸۵
- ۷- خونی پیاهه ئیرانییه‌کان، ماردین ئیبراهیم، ده‌زگای چاپ و په‌خشی سه‌رده‌م، سلیمانی ۲۰۰۸م
- ۸- محمده‌مه‌ولود، رومانی ریگا، له چاپکراوکانی ئاراس، هه‌ولیر، چاپی دووم ۲۰۰۱